



تحول در دانشگاه:

استمرار روند یا رخداد شگفتی ساز؟

تکنواشت ششم

رویکردهای مختلف در توسعه و
ارزیابی آموزش عالی با تأکید
بر اقتصاد آموزش عالی

امیرعلی سیفالدین

تیر ماه ۱۴۰۳



رویکردهای مختلف در توسعه و ارزیابی آموزش عالی با تأکید بر اقتصاد آموزش عالی

مقدمه

مجموعه حاضر چکیده مطالب ششمین نشست از سلسله نشست‌های اقتصاد آموزش عالی کشور با عنوان «تحول در دانشگاه: استمرار روند یا رخداد شگفتی‌ساز؟» است. در این نشست که در تاریخ ۳ تیرماه ۱۴۰۳ در پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد، دکتر امیرعلی سیف‌الدین، دانشیار گروه فناوری‌های نرم دانشکده انرژی دانشگاه تهران و رئیس امور آموزش عالی، تحقیقات و فناوری سازمان برنامه و بودجه کشور، به ارائه و تحلیل رویکردهای مختلف در توسعه و ارزیابی آموزش عالی با تأکید بر اقتصاد آموزش عالی پرداخت. وی اقتصاد آموزش عالی را از نظر تاریخی و همچنین از جنبه اصلی یا فرعی بودن آن نسبت به سایر جنبه‌ها مورد بررسی قرار داد و با اشاره به اینکه کشور ایران در بحث اقتصاد دانش‌بنیان نسبت به کشورهای پیشروی جهان عقب‌تر است، توضیح داد که این عقب‌ماندگی در حوزه تولید ادبیات علمی نیست، بلکه مربوط به کاربری آن است.

عقب‌ماندگی در کاربری اقتصاد دانش‌بنیان به این معنی است که برخی فعالیت‌های علم‌محور جهانی توسط دانشمندان ما دریافت شده و در آموزش عالی توسعه می‌یابد، اما به دلیل عدم دریافت یا عدم توجه به مفاهیم اقتصادی مرتبط با آن، این توسعه علمی نیز با ناتوانی در جذب اعتبار مواجه شده و سیر نزول و رکود را طی کرده تا نتواند در جامعه یا حتی میان نخبگان ریشه‌دار شود. دلیل این مدعا، تنوع مقالات علمی و کلیدواژه‌هایی است که توسط دانشمندان کشور منتشر می‌شود. با وجود رتبه مناسب ایران در انتشار مقالات بین‌المللی (رتبه ۱۴)، این مقالات نمی‌توانند عمق علمی و فناوری در کشور ایجاد کنند. در همین خصوص وجود نگاهی تاریخی و تشخیص موقعیت فعلی و راهکارهای پیش‌رو می‌تواند بسیار راهگشا باشد

در این نگاشت می‌خوانیم:

- مروری تاریخی بر ظهور آموزش عالی نوین در ایران
- آموزش عالی نوین و اقتصاد آموزش عالی
- دوره نقش‌آفرینی پژوهش تقاضامحور به عنوان پایه‌ای جدید در اقتصاد آموزش عالی
- دوره هم‌افزایی اقتصاد آموزش عالی با اقتصاد زمین
- دوره هم‌افزایی اقتصاد آموزش عالی با اقتصاد شهری
- دوره آموزش عالی به عنوان محرک در اقتصاد
- الف نقش دانشگاه در توسعه منطقه‌ای
- ب نقش دانشگاه در ایجاد درآمد پایدار برای دولت
- ج خدمات دانشگاه به هویت جمعی و یکپارچگی ملی
- د خدمات دانشگاه در تقویت اقتدار و باور ملی
- ه خدمات دانشگاه به گسترش روابط اقتصادی و اجتماعی فرا مرزی
- جمع‌بندی

مروری تاریخی بر ظهور آموزش عالی نوین در ایران

نخستین نگاه به اقتصاد آموزش عالی از منظر اقتصاد خرد بود و پیدایش آن به ایجاد دانشگاه مدرن یا امروزی مرتبط است. با وجود اینکه دانشگاه جندی‌شاپور اولین دانشگاه جهان، در ایران تأسیس شده و دانشگاه تهران براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی وارث ۱۷۵۷ سال سنت دانشگاهی است، دانشگاه مدرن امروزی با مفهوم گذشته دانشگاه بسیار متفاوت بوده و حاصل نوزایی علمی است.

ایران برای اولین بار در دوره صفویه با مفهوم و ضرورت وجود دانشگاه به سبک نوین به عنوان یک نهاد اجتماعی برای اداره جامعه مواجه شد. در این دوره، تحت تأثیر نوزایی و انقلاب‌هایی که در علم و فناوری رخ داده بود، مفهوم، ساختار و تاحدودی کارکرد نهادهای اجتماعی و حتی نظامی در کشورهای پیشروی جهان دچار تغییر شدند. در نهایت پس از ۲۰۰ سال دارالفنون به عنوان نخستین و سمبل دانشگاه نوین در دوره قاجار تأسیس شد.

پیش از تأسیس دارالفنون، مدرسه عالی در تهران وجود داشت، اما تأسیس دارالفنون که حوزه‌های پزشکی، نظامی و چند رشته دیگر را پوشش می‌داد، نشان از این داشت که دولت به ضرورت وجود رشته‌ها و علوم جدید پی برده و به این علوم از منظر کاربردی نگاه می‌کند. نظر به اینکه در آن مقطع زمانی متقاضی اصلی آموزش‌های نوین خود دولت بود، تمام هزینه‌های آموزش عالی نیز توسط دولت تأمین می‌شد.

گسترش آموزش عالی بعد از تأسیس دارالفنون همچنان با سرعت ادامه یافت و بعد از انقلاب اسلامی شتاب فزاینده‌ای را تجربه کرد. به نحوی که حدود ۲۵۰ هزار ظرفیت دانشجوی کشور که ۸۰ هزار نفر آن‌ها در خارج از کشور مشغول به تحصیل بودند، به ۴,۸ میلیون ظرفیت دانشجو در سال ۱۳۹۶ رسید. در سال ۱۴۰۲ مقدار دانشجویان کشور (بدون احتساب طلاب علم دینی و دانشجویان شاغل در دانشگاه‌های نظامی) بیش از ۳,۳ میلیون نفر بود.

نظر به نقش فزاینده آموزش عالی در جامعه، در این نگاشت با مروری تاریخی و کارکردی بر جایگاه آموزش عالی، مسیر و کارکردهای آینده آموزش عالی از منظر ملی و به طور خاص در توسعه ملی تبیین می‌شود.

آموزش عالی نوین و اقتصاد آموزش عالی

در ابتدای قرن ۱۹، دانشگاه‌ها با تقاضای تربیت مهندسانی مواجه شدند که شرکت‌های بزرگ غیردولتی متقاضی استخدام آن‌ها بودند. از آنجایی که این شرکت‌ها خارج از دولت بودند، بحث دریافت شهریه از دانشجویان مطرح شد و دانشگاه‌هایی به وجود آمد که شهریه‌محور بودند و دولت حامی مالی آن‌ها نبود.

شهرت دانشگاه تأثیر مستقیمی بر نرخ شهریه داشت و این شهرت متأثر از عواملی نظیر زیرساخت‌های علمی، نوع فناوری آموزشی مورد استفاده و استادان دانشگاه بود.

بنابراین، دانشگاه‌هایی که تولیدات علمی و آموزشی بهتری داشتند و استادان پرتألیف‌تری استخدام می‌کردند، دانشجویان بیشتری جذب کرده و اعتبار بالاتری می‌یافتند. شهرت دانشگاه در دستیابی مشاغل بهتر برای دانش‌آموختگان آن دانشگاه اثر می‌گذاشت و قابلیت دستیابی به مشاغل بهتر در افزایش شهریه مؤثر بود. این رابطه متقابل شهریه و عملکرد دانشگاه به‌صورت چرخه‌ای فزاینده یا کاهنده برای دوره‌های بعدی بود. بنابراین، اقتصاد آموزش عالی در این مرحله به‌طور عمده به شهریه وابسته بود.

در ایران نیز تا حدودی به شهریه یا سرانه دانشجویی توجه شده و دانشگاه‌های مشهور معمولاً این ویژگی‌ها را دارند. کمک‌های مالی دولت نیز به‌صورت هبه‌ای است و نه به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری با انتظار بازدهی. بنابراین، چنانچه دانشگاهی در ایران به رابطه میان شهرت علمی و افزایش شهریه توجه نکند، به تدریج دچار افول خواهد شد.

در این مدل، شکل‌گیری اقتصاد آموزش عالی براساس نیاز جامعه بود، به این معنی که رشته‌های جدید مبتنی بر نیاز اجتماعی بوده و از رشته‌های قبل از دوره رنسانس متمایز بودند. شهریه از رشته‌هایی مانند فلسفه دریافت نمی‌شد و هزینه این علوم را دولت یا ثروتمندان تأمین می‌کردند. قشر متوسط نیز به امید یافتن شغل بهتر در آینده، رشته‌هایی نظیر مهندسی را انتخاب و شهریه پرداخت می‌کرد. بدین ترتیب، رابطه‌ای میان شغل و آموزش در جامعه برقرار شد.

دوره نقش‌آفرینی پژوهش تقاضامحور به‌عنوان پایه‌ای جدید در اقتصاد آموزش عالی

جنگ جهانی دوم ساختار اقتصاد آموزش عالی را متحول کرد. نتیجه به‌کارگیری پژوهش و تحقیق در عملیات^۱ در جنگ جهانی دوم این بود که ابتدا دولت و سپس صنایع بزرگ به این نتیجه رسیدند که باید از دانشمندان بخواهند تا برای آن‌ها پژوهش انجام دهند. در این دوره، «پژوهش‌های تقاضامحور» شکل گرفت. بدین ترتیب، پایه جدیدی به اقتصاد آموزش عالی افزوده شد و اعتباری به آن اختصاص یافت که بعدها این اعتبارات به‌صورت قراردادهای پژوهشی تنظیم گردید. درخواست این نوع پژوهش از سوی بخش‌های مختلف و همچنین افزایش تقاضا برای تربیت نیروی انسانی، دو پیامد اصلی برای نظام دانشگاهی داشت:

۱. Operations Research (OR)

۱. دانشگاه‌ها به دلیل درآمد حاصل از قراردادهای پژوهشی و با هدف جذب استعدادها برای انجام این پژوهش‌ها، از طریق اعطای کمک‌هزینه‌های^۱ پژوهشی و تخفیف شهری به حمایت مالی از این استعدادها پرداختند؛

۲. به دنبال نوسازی صنایع و افزایش نیاز به مهندسان، جذب دانشجویان بیشتر و توسعه دانشگاه‌ها به امری ضروری تبدیل شد. از آنجاکه به خاطر محدودیت‌های کالبد شهری، توسعه دانشگاه‌ها در مرکز شهرها ممکن نبود، دانشگاه‌ها با هدف گسترش و ایجاد ظرفیت با هزینه‌های کمتر، به‌ناچار برای دریافت زمین‌های بزرگ‌تر به حومه شهرها روی آوردند.

دوره هم‌افزایی اقتصاد آموزش عالی با اقتصاد زمین

گسترش دانشگاه‌ها در حومه شهرها با توجه به حجم نیروی انسانی شاغل (تحصیل یا کار) در آن‌ها، جایگاه اجتماعی دانشگاه و زیرساخت‌های ارتباطی بین شهر و دانشگاه، سبب شد که شهرها به تدریج به سمت دانشگاه‌ها توسعه یابند. این روند منجر به افزایش چشمگیر قیمت زمین‌های خالی اطراف دانشگاه‌ها شد که نتیجه این امر پیوند «اقتصاد زمین» با اقتصاد آموزش عالی بود.

در ایران نیز با تأسیس دانشگاه‌های بزرگ در حومه شهرها، شاهد شکل‌گیری اقتصاد زمین در اطراف دانشگاه‌ها بودیم. نمونه‌هایی همچون منطقه وکیل‌آباد در اطراف دانشگاه فردوسی مشهد از این دست هستند. سودآوری تلاقی اقتصاد زمین با اقتصاد آموزش عالی بسیار بالا است و اگر هر صد سال یک‌بار محل دانشگاه تغییر یابد، عواید ناشی از اقتصاد زمین (برای دانشگاه و دولت) می‌تواند به قدری باشد که کل هزینه‌های سرمایه‌ای و جاری یک‌صدساله دانشگاه را پوشش دهد. یکی از مشکلات جدی مرتبط با اقتصاد زمین در آموزش عالی، ناتوانی دانشگاه‌ها در استفاده اقتصادی از زمین‌های رزرو شده خود و نداشتن تبحر در مدیریت اقتصاد زمین است.

دوره هم‌افزایی اقتصاد آموزش عالی با اقتصاد شهری

دهه ۱۹۶۰ دوره‌ای بود که دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ به دلیل عدم تحقق انتظارات پژوهشی خود از همکاری با دانشگاه‌ها، اقدام به قطع یا کاهش این همکاری‌ها کردند. این موضوع باعث شد دانشگاه‌ها با چالش‌های مالی روبه‌رو شوند. برای مقابله با این چالش‌ها، دانشگاه‌ها به مولدسازی دارایی‌های خود روی آوردند. دانشگاه استنفورد^۲ پیشگام این روند بود.

۱. Grant

۲. Stanford

استقرار کسب‌وکارها در نزدیکی دانشگاه به درخواست خدمات علمی و تخصصی (مانند خدمات آزمایشگاهی) و عمومی (مانند استفاده از امکانات رفاهی دانشگاه نظیر رستوران‌ها) از دانشگاه منجر و سبب شد که تعدادی از دانشجویان به‌صورت نیمه‌وقت در این کسب‌وکارها مشغول به کار شوند و از این طریق شهریه خود را آسان‌تر پرداخت کنند.

افزایش تعامل دانشگاه با کسب‌وکارهای پیرامونی و افزایش عایدی حاصل از آن، دانشگاه استنفورد را بر آن داشت تا در اجاره دادن قطعات زمین‌های خود، کسب‌وکارهایی را که امکان هم‌افزایی بیشتری با دانشگاه داشتند در اولویت قرار دهد و نتیجه آن پیوند اقتصاد آموزش عالی با اقتصاد شهری و منطقه‌ای شد.

در این تعامل دوسویه، استادان و دانشجویان به راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان تشویق شدند و این روند به شکل‌گیری صنایع و فناوری‌های نوپدید^۱ منجر شد که به مرزهای علم نزدیک‌تر بودند و از پژوهش‌های دانشگاهی حمایت می‌کردند. دانشگاه‌هایی که توانستند این نوع هم‌افزایی مارپیچی^۲ دو و چندگانه را ایجاد کنند، به‌عنوان دانشگاه‌های کارآفرین یا نسل سوم^۳ شناخته شدند.

این نوع اقتصاد، مدل‌های مالی جدیدی را برای دانشگاه‌ها به ارمغان آورد که در آن صنایع به جای استخدام نیروی متخصص برای پیشبرد ایده‌ها و نوآوری‌های جدید، با پرداخت اعتبار به دانشگاه‌ها، آن‌ها را ترغیب می‌کردند تا نوآوری‌های موردنیازشان را با جذب و همکاری دانشجویان به سرانجام برسانند. رویکرد نوآوری باز^۴، هم از نظر اقتصادی و هم مدت زمان رسیدن به نمونه محصول به نفع شرکت بود.

در ایران نیز طی ۲۵ سال گذشته پارک‌های علم و فناوری متعددی ایجاد شده است، اما پارک‌هایی موفق بوده‌اند که در نزدیکی دانشگاه‌ها قرار داشتند.

دوره آموزش عالی به‌عنوان محرک در اقتصاد کلان

از دهه ۱۹۸۰ میلادی نسل چهارم نوآوری با نام نظام‌های نوآوری^۵ نظریه‌پردازی شد. در این رویکرد آموزش عالی کارکردی مرکزی دارد و در اقتصاد کلان نقش‌هایی بی‌بدیل ایفا می‌کند که نهادهای دیگر از انجام آن عاجزند. آموزش عالی پیشرانی قوی برای اقتصاد کلان به‌شمار می‌رود. به‌علاوه تنها این نهاد است که می‌تواند در اقتصاد کلان و بخش‌های اقتصادی فرآیند «تخریب خلاق»^۶ را پیاده‌سازی و گذار سیستمی^۷ ایجاد کند.

1. Emerging Technologies

2. helix

۳. Third generation University

۴. Open Innovation

5. Innovation Systems

6. creative destruction

7. systemic transition

دانشگاه‌هایی که در سطح ملی و منطقه‌ای چنین نقش‌هایی را برعهده دارند به دانشگاه‌های نسل چهارم^۱ یا دانشگاه‌های تعالی‌گرا^۲ معروف هستند. بعد از نظریه نظام‌های نوآوری، نظریه‌های مکملی نظیر شبکه نوآوری و نوآورانه باز نیز نظیره‌پردازی شدند که در تمام این نظریه‌ها آموزش عالی و دانشگاه‌ها پیشران توسعه پایدار، توسعه منطقه‌ای و نوآوری باز هستند. در ادامه، به برخی از نقش‌های آموزش عالی و اثرات اقتصادی آن‌ها در اقتصاد ملی پرداخته می‌شود.

الف) نقش دانشگاه در توسعه منطقه‌ای

تبدیل شدن دانشگاه‌ها به کانون جمعیت با پیامدهایی همراه است. زمانی که در شهرستانی دانشگاهی حتی با ۲۰۰۰ دانشجو تأسیس شود، علی‌رغم اینکه از حیث شهریه اقتصادی نباشد، تأثیراتش بر اقتصاد آن شهرستان از چند جهت قابل توجه می‌شود:

۱. اجاره‌داری مسکن در آن شهرستان اقتصادی می‌شود؛
۲. زیرساخت‌های اجتماعی شهری مانند هتل‌ها، تالارها، مساجد بزرگ، رستوران‌ها، پایانه‌های اتوبوسرانی و غیره توسعه می‌یابد؛
۳. به دلیل افزایش تقاضای حمل و نقل، سیستم حمل و نقل عمومی گسترش قابل توجهی می‌یابد؛
۴. شهرستان از بن‌بست اجتماعی خارج می‌شود.

ب) نقش دانشگاه در ایجاد درآمد پایدار برای دولت

هدف دانش‌آموختگان از تحصیل، دستیابی به شغلی با درآمد مناسب است. یک فرد دانش‌آموخته دانشگاهی نسبت به کسی که آموزش دانشگاهی ندارد، درآمد بیشتری خواهد داشت؛ بنابراین:

۱. مالیات بیشتری بر درآمد پرداخت می‌کند؛
۲. به دلیل درآمد بالاتر، توانایی تأمین رفاه بیشتری برای خود و خانواده‌اش دارد و در نتیجه هزینه بیشتری انجام می‌دهد که به معنای پرداخت بیشتر مالیات بر ارزش افزوده است؛
۳. درآمد بالا منجر به انباشت ثروت بیشتر می‌شود و به همین دلیل، مالیات بیشتری بر دارایی، ثروت و ارث پرداخت خواهد کرد.

ج) خدمات دانشگاه‌ها به هویت جمعی و یکپارچگی ملی

دانشگاه‌ها با جذب دانشجویان از نقاط مختلف کشور، امکان آشنایی دانشجویان با فرهنگ، باورها و رفتارهای اقوام و مذاهب مختلف را به‌طور غیررسمی و هم‌زمان با تحصیل فراهم می‌کنند. شهرهایی که دانشگاه‌ها در آن‌ها قرار دارند نیز توسعه فرهنگی یافته و حتی تحمل‌پذیری اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد.

۱. چنانچه حداقل ۴۰ درصد دانشجویان یک دانشگاه، خصوصاً دانشگاه‌های معتبر، غیر بومی باشند، دانشگاه نقش پیشران برای همگرایی فرهنگی دانشجویان خواهد داشت؛

۲. دانشگاه‌ها در گسترش گردشگری پایدار نقش دارند؛ بسیاری از دانش‌آموختگان پس از فارغ‌التحصیلی برای تجدید خاطرات دوران دانشجویی به شهر محل تحصیل خود بازمی‌گردند؛

۳. از دیگر خدمات فرهنگی دانشگاه ایجاد سبک زندگی مشابه و یکپارچه در میان دانش‌آموختگان است.

د) خدمات دانشگاه‌ها در تقویت اقتدار و باور ملی

پروژه‌های علمی هنگامی که در سطح ملی یا بین‌المللی مطرح می‌شوند، حس غرور و اقتدار ملی را تقویت می‌کنند. نقش پروژه‌هایی مانند لغت‌نامه دهخدا، فناوری هسته‌ای، پارتابه‌های کاوشگر (ارسال میمون به فضا) یا رصدخانه ملی در ایجاد غرور ملی غیرقابل انکار است. این اثر مثبت از مرزهای جغرافیایی فراتر می‌رود و به بخش‌های غیرعلمی نیز تعمیم داده می‌شود.

ه) خدمات دانشگاه‌ها به گسترش روابط اقتصادی و اجتماعی فرامرزی

دانشگاه‌ها با جذب دانشجویان خارجی و فراهم کردن فرصت‌های تحصیلی برای آن‌ها، کمک می‌کنند که امکانات و فرصت‌های کشور به لایه‌های مردمی کشورهای هدف معرفی شود. این دانشجویان تأثیر مستقیمی بر رونق انواع گردشگری، توسعه صادرات و حتی واردات دارند. این افراد به‌طور معمول پس از فارغ‌التحصیلی، روابط اقتصادی و اجتماعی خود را با کشور محل تحصیلشان حفظ می‌کنند. در صورت برنامه‌ریزی منسجم آموزش عالی با صنایع و بخش‌های مختلف اقتصادی، این دانش‌آموختگان می‌توانند نمایندگان و سفیران شرکت‌های ایرانی در کشور خود باشند.

جمع‌بندی

در دوران معاصر، نقش آموزش عالی فراتر از آموزش علوم و تبیین چپستی جهان هستی رفته و به تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز دولت و صنایع ارتقا یافته است. دانشگاه‌های نوین، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، چندین بار به بازتعریف و تعمیم نقش نهادی خود و حتی تعریف نقش‌های نهادی جدید پرداخته‌اند.

۱. سیاست بومی‌گزینی که هم اکنون جاری است و از سوی اکثر دانشگاه‌ها مورد انتقاد است مانع مهمی در همگرایی و ایجاد یکپارچگی فرهنگی است.

دانشگاه‌ها (به خصوص دانشگاه‌های پیشرو) هم‌اکنون به کانون مرکزی و موتور پیشران تحول و تعالی اجتماعی تبدیل شده‌اند. اقتصاد آموزش عالی نیز متناسب با این تغییر نقش و کارکرد، دستخوش تحول شده و اکنون به موتور محرک اقتصاد ملی و منطقه‌ای تبدیل گردیده است. اقتصاد آموزش عالی از دو طریق بر توسعه آموزش عالی تأثیرگذار است:

۱. اقتصاد مستقیم آموزش عالی: با میزان شهریه‌ها و همچنین قراردادهای پژوهشی، فناوری و ارائه خدمات تخصصی‌ای مربوط است که عایدی مستقیم دانشگاه‌ها را تشکیل می‌دهد؛

۲. تبعات اقتصادی آموزش عالی در اقتصاد منطقه‌ای و ملی: به‌مراتب بزرگ‌تر از اقتصاد مستقیم آموزش عالی است و شامل اثرات گسترده آموزش عالی بر اقتصاد زمین و مسکن، درآمد دولت و توسعه ملی است. لازم است با استانداردسازی، سهم دانشگاه‌ها از این نوع اثرگذاری در سایر بخش‌های اقتصادی شفاف شود و از ذی‌نفعان آن که لزوماً دولت نیستند، مطالبه گردد.

به‌عنوان مثال، همکاری وزارت راه و شهرسازی با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با هدف توسعه شهری و منطقه‌ای می‌تواند در توسعه شهرهای هدف، به‌ویژه شهرهای جدید و اقتصاد زمین تأثیر قابل‌توجهی داشته باشد. یا مشارکت وزارت گردشگری و میراث فرهنگی با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در جذب دانشجوی خارجی و غیربومی و معرفی قابلیت‌های ملی و منطقه‌ای به آن‌ها، می‌تواند به توسعه گردشگری پایدار کمک کند.

در این میان، کوچک‌مقیاس شدن دانشگاه‌ها یا پردیس‌های دانشگاهی نظیر پردیس‌های بین‌الملل، به‌دلیل تمرکز پایین جمعیت دانشجو، می‌تواند تأثیرات منفی بر تبعات اقتصادی و اجتماعی داشته باشد.



نشست «رویکردهای مختلف در توسعه و ارزیابی آموزش عالی با تأکید بر اقتصاد آموزش عالی»
۳ تیر ماه ۱۴۰۳ - پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس